

تاثیر ایجاد انگیزه در برافروختن میل به یادگیری در دانش آموزان

ابراهیم کرمی^۱، پروانه احمدلو^۲

^۱ کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی ریاضی، دانشگاه شیراز

چکیده

انگیزه به فرآیندهایی مانند نیاز، شناخت، هیجان، و رویدادهای بیرونی گفته می شود که به رفتار، نیرو و جهت میدهند و رفتار را در جهت یک هدف فعال می سازند. محققان به طور کلی انگیزه را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم می کنند. انگیزه درونی، میل و اشتیاق برای انجام کاری است که حتی بدون وجود پاداش بیرونی، برای شخص، بسیار ارزشمند یا لذت بخش است. اما انگیزه بیرونی تمایل به انجام کاری است که نتیجه یا پاداش خاصی را برای شخص به ارمغان می آورد. انگیزه یادگیری در دانش آموزان، به معنای تمایل درونی آنها برای مشارکت طولانی مدت و با کیفیت، در فرآیند یادگیری، و متعهد ماندن به این فرآیند است. این تمایل می تواند ناشی از انگیزه های درونی یا منابع بیرونی باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر ایجاد انگیزه در برافروختن میل به یادگیری در دانش آموزان و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که انگیزه یکی از مهم ترین عناصر یادگیری و آموزش اثربخش است که باعث آماده ساختن دانش آموز برای یادگیری، فعال نگه داشتن او در طول یادگیری و افزایش توجه و دقت وی برای تمرکز بیشتر می شود. از میان عوامل موثر بر انگیزه، تشویق و تنبیه از جمله عوامل مهم تأثیرگذار بر کیفیت فعالیت ها و عملکرد تحصیلی دانش آموزان شناخته شده اند. نقش تشویق در ایجاد علاقه و انگیزه به مراتب مهم تر و مؤثرتر از نقش تنبیه بوده و باعث برانگیختگی قوای بیشتر انسان در جهت تحول برای رسیدن به کمال می شود.

واژه های کلیدی: انگیزه، یادگیری، دانش آموزان، تشویق، تنبیه

مقدمه

موفقیت تحصیلی و رشد و تکامل دانش آموزان همواره از موارد مهم و مدنظر جامعه بوده و انتظار دارد دانش آموزان در همه جنبه ها اعم از سلامتی، شخصیتی، شناختی و کسب مهارت های مختلف و توانمندی ها به پیشرفت و تعالی دست یابند. یاددهی و یادگیری از دیرباز همیشه مورد توجه خاص بشر بوده است. اما امروزه در قرن بیست و یک یادگیری یک عامل راهبردی برای موفقیت افراد و جوامع بشری محسوب میشود. در این قرن، که عصر تغییر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی است دیگر توسعه چرخهای اقتصادی ملاک و هدف اصلی نیست بلکه توسعه و گسترش منابع انسانی است که ارج و منزلت خود را به عنوان یک کالای با ارزش و استراتژیک در جوامع به ثبت رسانده است.

امروزه یادگیری (آموختن) واژه ای است که در ابتدای امر حتی در امور روزمره پرکاربرد، آشنا و بدیهی به نظر میرسد ولی لازم است در ارائه تعریفی روشن و تعیین مرزهای مشخص کننده آن با سایر فرآیندها و سازه ها، اندکی درنگ و تعمق داشت. به فراگیری یا به تصرف درآوردن دانش، یادگیری گفته می شود که بیان کننده نوعی تغییر در داشته ها است. [۱]

یادگیری یک فرآیند اجتماعی است و برای رسیدن به مرحله تولید اندیشه و اطلاعات، انجام فعالیت های یادگیری حیاتی است. تمایل انسان به طور غریزی نگرستن اطراف و گسترش حوزه اطلاعات خود است. یادگیری در تمام صحنه های زندگی انسان نقش مؤثری دارد. این روحیه کنجکاوی از آغاز خلقت تا کنون سبب کسب و تولید دانش شده و همواره به عنوان محرک انسانها مطرح بوده است و آنچه باعث پیشرفت و تفاوت انسانهای امروزی از انسان های نسل قبل از خودشان می شود، همین توانایی است. تعاریف متعددی برای یادگیری وجود دارد که هر یک از آن ها به جنبه های خاصی از فرآیند یادگیری تأکید می کنند و جنبه های دیگر آن را نادیده می گیرند. جامع ترین و مهم ترین تعریف که آن را به هیلگارد و مارکوئیز نسبت داده اند عبارتست از: «یادگیری یعنی تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط بر این که این تغییرات بر اثر تجربه رخ دهد.» [۲]

در میان عوامل مختلف مؤثر بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی، انگیزش نقش مهمی را ایفا میکند. درواقع، انگیزش، موتور محرک تلاش و فعالیت برای یادگیری است و میزان یادگیری دانش آموزان را به حداکثر می رساند [۳]. انگیزش به نیروی ایجاد کننده، نگهدارنده و هدایت کننده رفتار گفته میشود. از لحاظ پرورشی انگیزش هم هدف و هم وسیله است. در نظریه های آموزشی، انگیزه یک مفهوم اساسی به شمار میرود که به صورت تعبیرهای مختلفی از جمله انگیزش دانش آموز، انگیزش یادگیری یا انگیزش تحصیلی به کار رفته است. انگیزش تحصیلی به عنوان یکی از هدفهای اساسی آموزش و پرورش به شمار میرود. انگیزش تحصیلی وسیله ای برای کمک به یادگیری دروس گوناگون، امکانی برای یادگیری مادام العمر و به دست آوردن، مهارتهای مورد نیاز حرفه ای و عمومی است. انگیزش تحصیلی به تمایلات، نیازها و عواملی گفته میشود که باعث حضور یافتن یک فرد در محیطهای تحصیلی و به دست آوردن مدرک تحصیلی می شود. بر مبنای نظریه خود تعیین کنندگی دسی و رایان (۱۹۸۵) یادگیرندگان به لحاظ جهت گیریهای انگیزشی در سه طبقه قرار میگیرند: دارای انگیزش بیرونی، دارای انگیزش درونی، و افراد بدون انگیزه.

انگیزه بیرونی ما را به کارهایی بر می انگیزد که نتایج آن برایمان سودمند و خوشایند است و یا ما را از رویدادهای ناخوشایند می رهند اما انگیزه درونی بر خلاف انگیزه بیرونی، به هیچ نوع نتیجه و یا پاداش وابسته نیست و زمانی به وقوع می پیوندد که شخص به خاطر خود فعالیت و بدن توجه به مشوق خارجی یا نتیجه حاصل از کار تلاش می کند.

از عناصر با اهمیت یاددهی و یادگیری اثربخش انگیزه بوده که با این حال اندازه گیری آن نیز دشوار است. به عبارت دیگر، آنچه که منجر به پیشروی فرد شده و در حالت پیشروی نگه می دارد همین انگیزه است. در تعلیم و تربیت، بحث انگیزه عمدتاً به نکات زیر توجه دارد:

- آماده ساختن دانش آموز برای یادگیری
- فعال نگه داشتن دانش آموز در طول یادگیری
- توجه و دقت برای تمرکز بیشتر

انگیزه تحصیلی به عنوان یکی از هدفهای اساسی در آموزش و پرورش به شمار می رود. انگیزه تحصیلی وسیله ای برای کمک به یادگیری دروس گوناگون، امکانی برای یادگیری مادام العمر و به دست آوردن، مهارت های مورد نیاز حرفه ای و عمومی است. انگیزه تحصیلی به تمایلات، نیازها و عواملی گفته میشود که باعث حضور یافتن یک فرد در محیط های تحصیلی و به دست آوردن مدرک تحصیلی می شود. غالب رفتارهایی که انگیزه تحصیلی را نشان میدهند عبارتند از پافشاری بر انجام تکالیف دشوار، سخت کوشی یا کوشش در جهت یادگیری در حد تسلط و انتخاب تکالیفی که به تلاش نیاز دارد.

وجود یا عدم وجود انگیزه در دانش آموزان، بر تمامی مسائل مربوط به تحصیل آن ها تأثیر مستقیم می گذارد. نحوه برقراری ارتباط با معلم و همکلاسی ها، میزان زمان و تلاشی که به مطالعه و یادگیری دروس اختصاص می دهند، عملکرد آن ها در امتحانات و آزمون های مختلف و بسیاری موارد دیگر، کاملاً تحت تأثیر میزان انگیزه و علاقه دانش آموز به تحصیل و یادگیری است. علاوه بر این، دانش آموزان بی انگیزه می توانند به راحتی سایر همکلاسی ها را تحت تأثیر قرار داده و آن ها را نیز نسبت به تحصیل و یادگیری ناامید کنند. در صورت علاقه مندی نسبت به تحصیل علم و درس خواندن، دانش آموز در انجام تکالیف خود دقت کرده و به توضیحات معلم خود در کلاس توجه لازم را می نماید و از طرفی به دنبال دستیابی به اطلاعات بیشتر در زمینه مواد درسی نیز خواهد بود.

پیشینه تحقیق

در این گفتار به اختصار به بیان مطالعات و تحقیق هایی که در این زمینه انجام گرفته است، می پردازیم:

بیابانگرد (۱۳۸۴) در مقاله ای با عنوان رابطه میان عزت نفس، انگیزه پیشرفت، و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان سال سوم دبیرستان های تهران به بررسی رابطه بین عزت نفس و انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع دبیرستان مورد پرداخته و نتیجه چنین حاصل شده است که: « میان عزت نفس، انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی، میان عزت نفس و انگیزه پیشرفت، میان عزت نفس و پیشرفت تحصیلی، و میان انگیزه پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان همبستگی معنادار وجود دارد. »

غلامی و همکاران (۱۳۸۵) در پژوهش دیگری محققان رابطه انگیزش پیشرفت و خود پنداشت با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه هشتم در درس علوم را بر اساس تحلیل نتایج تیمز - آر را بررسی کرده اند که نتایج آن، تفاوت معنادار بین انتظار برای ادامه تحصیل و خودپنداشت با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را نشان داد.

نتایج پژوهش آریا فر و رزقی (۱۳۹۲) در بررسی رابطه انگیزش تحصیلی و راهبردهای خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه شهرستان قرچک نشان داد: « بین انگیزش تحصیلی و راهبردهای خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد و بین مؤلفه های انگیزش درونی، انگیزش بیرونی و بی انگیزشی با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد. »

حسن زاده و مهدی نژاد گرجی (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین جهت گیری های انگیزشی (درونی، بیرونی، و بی انگیزشی) و پیشرفت تحصیلی ۳۵۴ دانش آموز دختر مقابع متوسطه اول، دوم و سوم در شهرستان بابل در درس زبان انگلیسی پرداختند. پژوهش آنها به شیوه توصیفی- همبستگی انجام شده است. ابزار گردآوری داده ها، مقیاس جهت گیریهای انگیزشی زبان نولز و همکاران (۲۰۰۰) بود و نتایج نشان داد که بین انگیزش درونی و مؤلفه های آن و همچنین پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و بین انگیزش بیرونی و مؤلفه هایش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه مثبت بسیار ضعیفی وجود دارد. از دیگر یافته های این پژوهش آن بود که بین جهت گیری بی انگیزشی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین آنها به این نکته اشاره کرده اند که انگیزش درونی بیشترین سهم را در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در درس زبان انگلیسی ایفا میکند.

شمشادی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی به بررسی نقش تشویق و تنبیه بر یادگیری دانش آموزان از دیدگاه تعلیم و تربیت پرداختند نتایج این تحقیق نشان می دهد که « در تربیت انسان اصل بر تشویق و ترغیب است نه تنبیه و مجازات. تشویق و تقویت رفتار مثبت کودکان سبب شکل گیری عادات مطلوب در آنها می شود. »

توده رنجبر و عراقی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر تشویق در افزایش یادگیری دانش آموزان پرداخته و نشان دادند: « تشویق وسیله مناسب برای پیشرفت امر تعلیم و تربیت است و می تواند یک عامل بسیار مهم در به کار انداختن ابتکار عمل در دانش آموزان باشد. تشویق بهتر است بیشتر به صورت گروهی انجام شود و تشویق مستقیم دانش آموزان نسبت به تشویق غیر مستقیم در پیشرفت تحصیلی آنان اثر بیشتری دارد »

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر ایجاد انگیزه در برافروختن میل به یادگیری در دانش آموزان به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل محتوا انجام شده است و با توجه به روش پژوهش، جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بررسی می باشد.

یافته های تحقیق

اصطلاح انگیزش (انگیزه) از فعل لاتین (Movere) به معنی حرکت دادن مشتق شده است. مفهوم کلی جنبش و تحرک منعکس کننده این تصور عام است که انگیزش چیزی است که ما را به جنبش و تحرک وادار، و کمک میکند تا تکالیف خود را کامل کنیم. همچنین انگیزش را فرایندی که طی آن فعالیت هدف محور برانگیخته و حفظ میشود نیز تعریف کرده اند.

نظریه های انگیزش

۱. نظریه های انسان گرایانه

بر خلاف حیوانات، نیازهای انسان بسیار پیچیده تر هستند و پس از برآورده شدن نیازهای اساسی در انسان، کم کم فرد به وسیله سطوح بالاتر انگیزه مجبور به فعالیت می شود. نظریه پردازانی از قبیل مازلو انگیزه های دورنی از جمله خودآگاهی و تحقق توانایی های بالقوه را ریشه بسیاری از رفتارهای آدمی می داند. مازلو نیازهای انسان را طبقه بندی کرده و معتقد است برای برآورده شدن نیازهای طبقات بالا ابتدا لازم است نیازهای طبقات پایین تر برآورده شوند. سلسله مراتب نیازها براساس نظریه مازلو عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیکی، نیازهای ایمنی، نیازهای عشق و تعلق، نیاز به احترام از سوی خود و دیگران و نیاز به خودشکوفایی.

۲. نظریه های شناختی و کارآمدی شخصی

در نظریه های شناختی انگیزش، بر فرآیندهای تفکر که در انگیزش فرد دخیل هستند، تأکید می شود. مفهوم کارآمدی شخصی به وسیله بندورا (۱۹۶۸) مطرح شد و آن بخش از "خود" را توصیف می کند که به طور مشخص با ارزیابی و برآورد ما از اثربخشی شخصی مان ارتباط دارد. چنین به دست آمده، دانش آموزانی که اثربخشی خود را در تعلیم و تربیت، بالا ارزیابی می کنند یا سطح بالایی از کارآمدی تحصیلی را از خود ظاهر می سازند، در فعالیتهای تحصیلی شان ثبات، تلاش، انگیزش و علایق درونی بیشتری از خود نشان می دهند. کارآمدی شخصی را می توان به دو جزء تقسیم کرد:

الف. قابلیت ها یا مهارت های لازم برای عملکرد موفقیت آمیز

ب. ارزیابی ما از توانایی ها یا کارآمدی شخصی خود در این قابلیت ها و مهارت ها.

ادراک فرد از مهارت های واقعی لازم و توانایی او در زمینه این مهارت ها بسیار ذهنی است. بندورا، در توضیح ماهیت ذهنی بودن این ارزیابی ها، چهار عامل را که بر ارزیابی های ما اثر می گذارد، مطرح ساخت:

۱. عامل فعالیتی یا عملی: اعمال و رفتارهای شخصی افراد تحت اثر این عامل از انسان سر می زند اما امکان دارد این فرضیه صحت نداشته باشد چون پیروزی یا شکست فرد، تابع تفسیر یا اسناد شخصی وی است.

۲. عامل جانشین سازی: این عامل در رابطه با مقایسه هایی است که توسط دیگران انجام می شود. از جماع مهمترین آنها مقایسه دانش آموزان با همسالان و همکلاسی های دیگر است.

۳. عامل تحریکی یا تشویق: در افرادی که تصور می کنند کفایت لازم در انجام برخی مهارت ها را ندارند، تشویق دیگران می تواند به عنوان عامل بسیار مهم و پیش رونده ای باشد.

۴. عامل عاطفی: در انجام یک فعالیت میزان علاقه و اشتیاقی که بروز می کند عامل عاطفی نام دارد. مقدار معینی از برانگیختگی می تواند به موفقیت زیادی منجر شود، اما سطوح برانگیختگی خیلی پایین یا بالا مانند ترس شدید، می تواند به ناتوانی و بی کفایتی فرد در انجام تکلیف خود منجر شود.

۳. نظریه های رفتاری

از دیدگاه کاکس، انگیزه نیرویی سوق دهنده است که در صورت اثر اقدامات و تجربه های مناسب می تواند تغییر یابد. از این رو عقاید و دیدگاه های وی را می توان در راستای تفکر رفتارگرایان قرار داد. کاکس، از انگیزش اولیه و ثانویه و نیز انگیزش مثبت و منفی سخن به میان می آورد. انگیزش اولیه، از نفس عمل یا خود فعالیت ناشی می شود و انگیزش ثانویه نیز به هر نوع گرایش و رغبتی اطلاق می شود، به استثنای آنهایی که مستقیماً با پرداختن به خود فعالیت، ارتباط می یابند. علاوه بر این، کاکس معتقد است که پیچیدگی انگیزه از آن جهت است که منشأ هر دو نوع انگیزش اولیه و ثانویه می تواند مثبت یا منفی باشد.

۴. نظریه اسناد

واینر (۱۹۵۸)، نظریه اسناد را مطرح ساخت که به بررسی چگونگی تفسیر فرد از علل موفقیت ها و شکست هایش می پردازد. بر اساس این نظریه، باور ما از پیروزی ها و شکست های خود، انتظار پیروزی ها و ناکامی های آتی، منجر به تعیین انگیزه ما در انجام دادن فعالیت هایی است که احتمال شکست یا موفقیت دارند

۵. نظریه برانگیختگی

اصطلاح برانگیختگی به حالت تهییج، توجه یا گوش به زنگ بودن اشاره می کند. برانگیختگی از معدود متغیرهای انگیزشی است که برای آن شاخص های قابل مشاهده و قابل اندازه گیری فیزیولوژیکی وجود دارد. منابع اولیه برانگیختگی گیرنده های دور هستند، مانند اندام های شنوایی و بینایی، اما منابع دیگر تحریک از جمله فعالیت مغز نیز می تواند منجر به برانگیختگی شود. [۴] انگیزش تحصیلی به عنوان یکی از انگیزه های درونی با حصول آگاهی از چگونگی تأثیر فرایندهای شناختی - انگیزشی شخص روی فعالیت هایی که برای پیشرفت تحصیلی وی اهمیت دارند، برآورد می شود. انگیزش تحصیلی باهدفهای ویژه، نگرشها و باورهای خاص، روشهای نائل شدن به آنها و تلاش و کوشش فرد در ارتباط است.

عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی

عوامل گوناگونی می توانند بر انگیزش تحصیلی فرد تأثیر بگذارند. در ادامه به تأثیر سه مولفه مهم در اهمیت شکل گیری انگیزه تحصیلی دانش آموزان می پردازیم. [۵]

۱. هدف، اولین عامل موثر بر انگیزه تحصیلی

هدف عبارت است از نتیجه ای که یک فرد برای دستیابی به آن کوشش می کند. رفتار هدفدار باعث پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می شود. زیرا توجه فرد را در تکلیفی که باید انجام دهد بالا می برد و موجب کشف راهبردهای جدید برای رسیدن به هدف می شود. نوع هدف هایی که فرد برای خود انتخاب می کند در انگیزه او تأثیر می گذارد. تحقیقات نشان می دهد هر

چه هدف های مشخص شده درجه دشواری متوسطی داشته باشند و دسترسی به آن ها در آینده نزدیک میسر باشد، انگیزش و پیگیری بیشتری به همراه دارند. در این قسمت می توانید به اهمیت انگیزه تحصیلی برای دانش آموزان پی ببرید.

اگر دانش آموزی در انتخاب هدف خود مشکل دارد، باید به او کمک کرد تا بتواند هدفی برای خود انتخاب کند. مثلاً با نشان دادن الگوهای موفق به او، می توان مسیر تحصیلی دانش آموزان را مشخص کرد و به آن ها انگیزه بخشید. خصوصاً در سنین نوجوانی که معمولاً با سردرگمی هویتی همراه است و خیلی از دانش آموزان بیش از اینکه بخواهند وقت خود را برای مطالعه بگذارند، ترجیح می دهند وقت خود را با همسالان خود بگذرانند که این مسئله گاهی منجر به انحراف می شود. اما والدین آگاه می توانند با مدیریت روابط فرزندشان و آگاهی دادن به نوجوانان برای انتخاب هدف درست برای آینده به آن ها در این مسیر کمک کنند که روش موثر در انگیزش تحصیلی نوجوانان نیز محسوب می شود.

۲. علاقه، دومین عامل موثر بر انگیزه تحصیلی

سطح انگیزه تحصیلی دانش آموزان با علایق آن ها نیز در ارتباط است. طبق تحقیقات انجام شده، علاقه اندک به درس باعث افت انگیزه دانش آموزان می شود. هر چه علاقه دانش آموز به درس بیشتر باشد، یادگیری او نیز عمیق تر و پایدار خواهد شد. بخش عمده علاقه مند کردن دانش آموزان به درس بر عهده معلمان است که با روش های خلاقانه تدریس می توانند دانش آموزان را به درس و مدرسه علاقه مند کنند.

عوامل زیادی در بی علاقه دانش آموزان به مدرسه و درس وجود دارد. مثل سختگیری های بیش از حد والدین، رفتارهای بد معلمان، تنبیه و سرزنش بیش از حد و... در مقابل عوامل خیلی ساده ای در شکل گیری علاقه دانش آموزان به معلم، مدرسه و مطالعه کردن وجود دارد. تشویق کلامی که برخی از معلمان خیلی کم از آن استفاده می کنند، یکی از فاکتورهای موثر بر انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. گاهی دانش آموزان به خاطر علاقه به یک معلم سعی در یادگیری بیشتر دروس می کنند. روابط معلم و دانش آموز می تواند نقش مهمی در انگیزش تحصیلی در دانش آموزان و یادگیری دروس داشته باشد.

۳. خودپنداره ها، سومین عامل موثر بر انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی دانش آموزان متأثر از خودپنداره های آنان نیز هست. اینکه دانش آموزان چه تصویری درباره خود و استعدادها و توانایی های فردی و کارآمدی خود دارند، در تعیین هدف و میزان موفقیت و شکست آن ها موثر است. مثلاً افرادی که فکر می کنند توانایی آنان ثابت و تغییرناپذیر است، نمی توانند اهداف بزرگتری را برای خود انتخاب کنند. برعکس، آنان که توانایی خود را تغییرپذیر و افزایش یابنده می دانند، اهداف بزرگ تری را پیش روی خود قرار می دهند. پیش بینی چگونگی نتایج رفتار، عامل مهمی در انگیزه تحصیلی افراد است. آلبرت بندورا این پیش بینی را "خود کارآمدی" می نامد و آن را اعتقاد به توانایی خود برای سازمان دادن و اجرای فعالیت های لازم برای دستیابی به هدف معین تعریف می کند.

باورهای خودکارآمدی افراد چگونگی احساس، تفکر، رفتار کردن و به طور کلی پیشرفت افراد را تحت تاثیر قرار می دهد. افرادی که خودکارآمدی بالایی دارند و به توانایی هایشان به انجام کار باور دارند، در فعالیت ها بیشتر شرکت می کنند تا فردی

که خودکارآمدی پایینی دارند و توانایی هایشان را قبول ندارند. دانش آموزان خودکارآمد به ویژه هنگام مواجهه با مشکلات، بیشتر از افرادی که نسبت به قابلیت های خود تردید دارند از خود سخت کوشی و پشتکار نشان می دهند. یکی از وظایف مهم والدین و معلمان بالا بردن احساس خودکارآمدی در دانش آموزان است. دانش آموزان هرچه بیشتر احساس خوبی نسبت به توانایی های خود داشته باشند، در مواجهه با چالش ها سخت کوشی بیشتری از خود نشان می دهند و تلاش بیشتری می کنند. هرچه انگیزه های فرد درونی باشد، پیشرفت تحصیلی بیشتری به همراه دارد. انگیزه درونی ماندگارتر است و باعث می شود فرد هنگام شکست، زود نا امید نشود.

صاحب نظران این حوزه بر این نکته تأکید دارند که برای انجام دادن یا ترک رفتاری، باید انگیزه های درونی فرد تغییر و اصلاح شود. چون انگیزه های درونی، محرک های اصلی انجام رفتار هستند و رفتارهایی که متکی به انگیزه های بیرونی هستند، ممکن است با عدم تکرار و قطع انگیزه های بیرونی، رفتار تکرار نشود، ولی انگیزه های درونی نهادینه شده و چون رضایت و خرسندی درونی فرد را به دنبال دارد، پایدارتر است و فرد با تلاش و پشتکار بیشتر برای کسب اهداف خود گام برمی دارد. [۶]

راهکارهای ایجاد انگیزه در دانش آموزان

این سؤال که چگونه می توان در دانش آموزان انگیزه درونی ایجاد کرد نه تنها متضمن برداشت نادرستی از ماهیت انگیزه است بلکه در چارچوبی از کنترل جای می گیرد و این دقیقاً همان چیزی است که انگیزه را می کشد؛ لذا مناسب ترین عملکرد در جهت ایجاد انگیزه درونی، فراهم کردن شرایط و زمینه ای است که خود دانش آموزان در خود انگیزه را بوجود آورند.

دانش آموزان نمره گرا یا پاداش گرا اصولاً نه به خوبی دانش آموزان خود انگیزه یار می گیرند، نه مانند آنها تفکری عمیق دارند، نه مانند آنها به کاری که انجام می دهند توجه می کنند و نه مانند آنها توان خود را به آزمون می گذارند و خطر می کنند. نمره لذت حاصل از انجام موفقیت آمیز تکلیف را کم رنگ می کند، او را به سمت تقلب سوق می دهد، رابطه معلم و دانش آموز را مخدوش می کند، از احساس کنترل فرد بر زندگی و سرنوشت خود می کاهد و موجب پیروی کورکورانه در دانش آموزان می شود.

محرک های بیرونی موجب توجه دانش آموز به میزان یا نحوه عملکردش می شوند. اولین گام آن است که آنها را مجبور نکنیم دائماً به میزان پیشرفت خود فکر کنند. گام بعدی این است که ببینیم چطور می توانیم آنها را به نحو مثبتی با تکلیف درگیر کنیم. یادگیری مؤثر حاصل مشارکت و درگیری تمام عیار با تکلیف و فکر نکردن به میزان یا نتیجه کار است. هر چه آموزگاران بر درک مطلب، آزمودن ایده های جدید و ریسک پذیری در یادگیری (در مقابل نمره و رقابت) بیشتر تأکید کنند، دانش آموزان راهکارهای یادگیری بیشتری را به کار می گیرند و بیشتر به تکالیف دشوار روی می آورند.

وقتی دانش آموز به کشف موضوع می پردازد، شکست و موفقیت را عنوان تنبیه یا پاداش تلقی نمی کند بلکه آن را به عنوان نوعی اطلاعات می بیند. بازخوردی که مسیر حرکت دانش آموز را در جهت درست یا نادرست نشان دهد، باعث پیشرفت در یادگیری می شود. [۷]

موارد زیر را می توان به عنوان روش هایی برای تحریک انگیزه دانش آموزان در نظر گرفت:

- شرایط یادگیری فعال را فراهم کنید . مثلاً استفاده از شیوه های عملی یادگیری
- دلیل انجام تکلیف را بیان کنید . معلمان باید به چرایی جذاب بودن موضوع اشاره نمایند
- کنجکاوی آنها را برانگیزید . انسا نها ذاتاً در مورد اموری که نتوانند نتیجه و پایان آنها را حدس بزنند یا درباره اموری که نتایجشان مطابق انتظار نیست، کنجکاوی نشان می دهند.
- خود یک الگو باشید . مطالعات و علایق علمی و فرهنگی معلم می تواند در کلاس بیان و توضیح داده شود . همچنین معلمان با اعتراف به ندانستن، سر سختی در مقابل شکست، مشورت در راهیابی و نشان دادن روش فهم مطالب دشوار، می توانند به دانش آموزان کمک کنند.
- از اشتباهات استقبال کنید . نباید با مشاهده خطای دانش آموز جبهه گیری کرد، زیرا این موضوع لزوماً نشان دهنده روش تدریس ناموفق معلمان نیست . در ضمن هر خطایی ناشی از تنبلی دانش آموزان نیز نمی باشد .بروز اشتباه ما را از تفکر دانش آموزان آگاه می کند.
- مطالعات نشان می دهند که مشارکت در گروههای فعال موجب می شود دانش آموزان درباره خود، دیگران و موضوعات یادگیری احساس مثبتی پیدا کنند . پس به جای ساکت نشان دادن دانش آموزان باید آنها را به کار گروهی، آزمودن ایده ها و طرح پرسش و پاسخ از یکدیگر عادت دهیم . و نکته بسیار مهم در این میان آن است که کار گروهی باید با عدم وجود محرکهای بیرونی همراه باشد . یعنی برای تشویق دانش آموزان به کار گروهی نباید به آنها نمره یا جایزه داد . علاوه برای این راهکارهای دیگر نیز می توان تصور نمود، شامل :
- تشکیل جلسات کلاسی : دانش آموزان در هر سنی نیاز دارند زمانی را که کنار هم بنشینند و با هم تصمیم بگیرند.
- فعالیتهای جهت ایجاد وحدت و یکپارچگی : مثلاً برای کلاس خود یک اسم یا آرم درست کنند، یک بازی کلاسی ترتیب دهند، روی دیوار نقاشی بکشند، چهل تکه بسازند، سرود بخوانند، روزنامه دیواری یا کتاب درست کنند و ...
- برنامه های فراکلاسی : تعامل کلاسهای مختلف با هم، اردوها و ...
- ادبیات جامعه مدار: بررسی داستانهای مختلف در گروه های کلاسی دانش آموزان

تشویق و تنبیه و نقش آن در ایجاد انگیزه یادگیری

تشویق و تنبیه یکی از ابزارهای مهم تعلیم و تربیت است که تأثیر شگرفی بر روابط میان انسان‌ها، اصلاح رفتار و انگیزه آنها دارد. این ابزار نیز همانند تمامی روش‌ها و فنون تربیتی، آن گونه از حساسیت خاصی برخوردار است که کاربرد به جای آن آثار مثبت و سازنده و کاربرد نابجای آن سبب بوجود آمدن رفتارهای منفی و مخرب مانند افسردگی، ناکامی، بی‌تفاوتی، تعارض و احیاناً پرخاشگری در میان معلمان و دانش‌آموزان می‌شود. از این مهم‌تر، کاربرد نابه‌جای تشویق و تنبیه، نگرش دانش‌آموز را نسبت به معلم و مدیر و مدرسه به نگرشی منفی سوق می‌دهد که تنفر، بیزاری، فرار از مدرسه و نظایر آن را موجب می‌شود. [۸]

از نظر لغوی کلمه تشویق از واژه شوق و علاقه گرفته شده و به باب تفعیل (تشویق) شده است و از نظر اصطلاحی تشویق، بر ایجاد رغبت و علاقه به انجام یک کار در فراگیران گفته می‌شود. تشویق به عنوان یک نیاز روانی از مهمترین گام‌های یادگیری دانش‌آموزان محسوب می‌شود. وقتی دانش‌آموز را مورد تشویق قرار می‌دهیم، فرصتی فراهم می‌شود تا او به توانایی، ظرفیت و ارزشمندی‌های خود پی برده و در نتیجه مفهوم مثبت و ارزنده‌ای از عملکرد مفید خود در ذهن تصویر کند. [۹]

تنبیه در لغت به معنای آگاه کردن و بیدار کردن است. در اصطلاح تربیت و از دید روانشناسان ارائه یک محرک آزار دهنده یا تنبیه کننده به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن آن رفتار است. [۳]

تشویق و تنبیه روشهایی هستند که از نظر روان‌شناسان برای رعایت مقررات و حفظ انضباط باید در آموزشگاهها و محیط‌های تربیتی به کار گرفته شوند. البته هر کدام از این روشها در موقعیت و شرایط مناسب به کارگیری میشوند و گاه بنا بر شرایط از هر دو این روشها استفاده میشود تشویق یا پاداش در مواردی به کار گرفته میشود که رفتار دلخواه از مرتب‌تری مشاهده شود و مربی بخواهد آن رفتار تکرار شود و ادامه پیدا کند و به صورت عادت در بیاید اما تنبیه در مواردی به کار گرفته میشود که رفتاری ناپسند و خلاف موازین اخلاقی مدنظر مربی صورت گیرد و مربی بخواهد آن رفتار را تضعیف یا خاموش کند البته از تنبیه‌های شدید و درد آور و مخرب در برابر خطاهای کوچک چشم‌پوشی کرد یا از تنبیه‌های گروهی برای اشتباهات فردی، به ویژه تنبیه بدنی کنایه آمیز و توهین خودداری کرد؛ چون این تنبیهات غالباً در ضمیر و روان مرتب‌تری کنید و روحیه انتقام جویی ایجاد میکند.

در مورد تنبیه میتوان دو نقش قائل شد. اول اینکه جلوگیری میکند از رفتار ناپسند و نامطلوب تنبیه موجب تضعیف یا عدم تکرار رفتار ناپسند از طرف فرد می‌شود در واقع تنبیه این پیام را را فرد میدهد که به خاطر رفتار ناپسند که داشته مورد نقش دوم تنبیه این است که کودکی را متوجه میکند که رفتاری که انجام داده است مورد قبول محیط اجتماعی نیست و در واقع فرد را با انتظارات محیط اجتماعی اش آگاه می‌کند بنابراین دومین نقشی تنبیه نقش آگاهی بخشی به فرد خطا کار است

یکی از نکات اساسی که در استفاده از روش تنبیه باید به آن توجه کرد این است که تنبیه باید متناسب با خطای فرد باشد و از تنبیه‌های سخت برای خطاهای کوچک یا بالعکس از تنبیه‌های نرم برای خطاهای بزرگی پرهیز کرد و به گونه‌ای تعادل را باید در این باب رعایت کرده برای اینکه فرد متوجه اشتباهش شود و اشتباه خود ببرد باید تنبیه را بلافاصله بعد از انجام رفتار نامطلوب و مشاهده آن اجرا کرد. همچنین اگر پی به اشتباه خود ببرد باید تنبیه را بلافاصله بعد از انجام رفتار نامطلوب و مشاهده آن اجرا کرد همچنین اگر دلیل تنبیه برای فرد مشخص شود تأثیر گذاری تنبیه به مراتب بیشتر می‌شود

در مجموع از مباحث و نظرات روان‌شناسان در زمینه آموزش و یادگیری می‌توان نتیجه‌گیری کرد که غالباً تشویق و دادن پاداش به دانش‌آموزان بر تنبیه اولویت دارد آنها بیشتر بر تقویت دادن پاداش در مقابل اعمال و رفتارهای مطلوب تأکید می‌کنند تا تنبیه و تنبیه را به عنوان آخرین روش در تغییر رفتار، آن هم به شکل ساده مورد توجه قرار داده اند که به این نظر اسلام نیز نزدیک تر است. [۱۰]

مزایای تشویق

مهمترین محاسن تشویق بجا عبارتند از :

- نیروبخشی .
- احساس ارزشمندی.
- احیاء شخصیت .
- ترغیب به فعالیت بیشتر .
- ایجاد اعتماد به نفس .
- تغییر دهنده و جهت دهنده رفتار و مسیر زندگی
- شکوفایی استعدادهای نهفته و به فعلیت رسیدن قوای درونی.

معایب تشویق

در صورتی که تشویق بیش از حد و بی مورد انجام شود ، معایبی در پی خواهد داشت که عبارتند از :

- ایجاد وابستگی به عوامل کنترل بیرون از خود.
- مانع پیشرفت خود به خودی در طولانی مدت .
- کند شدن محرک های درونی و از بین رفتن رغبت های خود به خودی و جایگزینی رغبت های مصنوعی.
- بوجد آمدن غرور و خود بینی در تشویق و تحسین بیش از حد .

در همین راستا نیز نکاتی قابل ذکر است که در مسئله تشویق باید مد نظر قرار گرفته شود :

- تشویق های ملموس در مقاطع سنی پایین مؤثرتر است.
- تشویق باید طبیعی، واقعی و به دور از فریب و ریا باشد.
- تشویق باید بلافاصله اعمال گردد (به خصوص برای سنین پایین).
- تشویق در بین همسالان و دوستان مؤثرتر از تشویق به تنهایی است.
- تشویق باید با تقویت درونی همسو باشد. (اول تقویت درونی و بعد تشویق)
- اگر تشویق بیش از حد انتظار طبیعی و یا کمتر از حد انتظار باشد اثر نامطلوبی دارد.
- علت تشویق بایستی مشخص باشد تا فرد بفهمد که به چه سببی مورد تشویق قرار گرفته است.

- نفس عملکرد فرد باید مورد تشویق قرار گیرد (مستقیماً به رفتار فرد مربوط باشد) نه شخصیت او.
 - تشویق باید با سن فرد، نیازهای او و شرایط و موقعیت مکانی، شخصیتی، روانی و... تناسب داشته باشد.
 - تشویق باید گاه به گاه و در برابر کارهای ممتاز باشد، نه به صورت دائم و برای هر کار؛ زیرا در این صورت ارزش و تأثیر تربیتی خود را از دست خواهد داد.
 - در تشویق و تحسین با فرد دیگر مقایسه نشود.
 - تشویق متناسب با فعالیت های فرد انجام گیرد، نه در برابر موهبت های ذاتی او.
 - تشویق با نوع کار فرد متناسب باشد. در برابر کاری کوچک و کم اهمیت تشویق بزرگی انجام نگیرد.
- اما آنچه در روند تشویق دانش آموزان وجود دارد این است که اگر تشویق صرفاً بر اساس محرک های بیرونی متمرکز گردد به تدریج به عنوان یک عامل ضد تشویق عمل خواهد کرد. در واقع این گونه تشویق های بیرونی مانعی برای تقویت درونی می گردد. باید به خاطر داشت که پاداش تا اندازه ای برای ایجاد و تقویت رفتار مطلوب ثمربخش است، اما غالب اولیا و مربیان و معلمان از این ابزار در همه جا و در همه شرایط برای تسهیل و تسریع رفتار مورد انتظار خود از دانش آموزان از آن استفاده می کنند، بدون این که به عواقب سوء احتمالی آن توجه داشته باشند.
- اگر رفتار دانش آموز و انگیزه پیشرفت او را از طریق مشوق های بیرونی مانند جایزه و کارت های آفرین مکرر، تحسین های لفظی متعدد و سایر عوامل بیرونی شرطی کنیم، آزادی و رشد طبیعی را از او سلب و رفتار وی را با ضوابط و معیارهای از پیش تعیین شده قالب سازی کرده ایم. این پاداش دهی مانع شوق یابی درونی می شود و این گونه وابسته سازی مانع تولید انگیزه های درونی می گردد. هرچند معلم باید به شیوه های مختلف، برای علاقه مند کردن و ایجاد انگیزه در دانش آموزان کوشش کند، اما نباید محرک ها و مشوق های بیرونی را جایگزین انگیزه های درونی نماید. صاحب نظران تعلیم و تربیت برای ایجاد انگیزه در دانش آموزان اهمیت فراوانی قائل هستند، به طوری که عده ای آن را رمز یادگیری دانسته اند و بخش عمده ای از فرآیند یادگیری را در چگونه برانگیختن می دانند.
- اگر انگیزه یادگیری و پیشرفت و ترقی در دانش آموزان ایجاد شده باشد، آن ها خود به خود راه مواجهه با موانع را فرا خواهند گرفت، به شرط آن که مقتضیات رشد فراهم شده باشد. آزمایش هایی که در مورد دانش آموزان با انگیزه و بدون انگیزه با وجود داشتن هوش بالا انجام گرفته است نشان می دهد که دانش آموزان با انگیزه پیشرفت نسبت به دانش آموزانی که فاقد انگیزه هستند، موفقیت بیشتری دارند. [۹]

شرایط تاثیر گذاری تنبیه

همانطور که برای تاثیر گذاشتن تشویق شرایط وجود دارد و نکاتی باید رعایت شود در زمینه تنبیه نیز باید شرایطی رعایت شود تا تاثیر گذاری آن تضمین شود از جمله شرایطی که نیاز است تا تنبیه در اصلاح رفتار فرد موثر واقع گردد میتوان به موارد زیر اشاره کرد: [۱۱]

۲-۱. تنبیه باید فوری و بلافاصله بعد از انجام رفتار نامناسب و نامطلوب اعمال شود چنانچه بین رفتار نامطلوب و اعمال تنبیه فاصله بیفتد فرد خطاکار نمیتواند بین عمل خود و تنبیه صورت گرفته ارتباط برقرار کند. برای مثال اگر معلم در زنگ اول تکالیف بچه ها را نگاه کند باید در همان زمان بازخورد لازم را به دانش آموزان بدهد اگر معلم بازخورد را در زنگهای بعدی به بچه ها بدهد آنها نمیتوانند ارتباط لازم را بین کم کاری خود و تنبیه اعمال شده برقرار کنند.

۲-۲. مورد دیگری که باید در رابطه با اعمال تنبیه مدنظر قرار گیرد این است که با یک پاسخ مطلوب دیگر در برابر شخص قرار داشته باشد به طور مثال کودکی را در نظر بگیرید که دوست دارد با بچه همسایه بازی کند و شما کودک همسایه را همبازی خوبی برای او نمیدانید در این حالت، باید سعی کنید کودک دیگری را که از نظر شما همبازی خوبی برای فرزند شماست به فرزند خود معرفی کنید چرا که نفس بازی با همسالان برای کودک مفید است و در صورت حذف این مورد بدون جایگزین مناسب این احتمال وجود دارد که فرزند دچار خطاها و اشتباهات دیگری شود.

۲-۳. نکته دیگری که برای تاثیر گذاری تنبیه باید مورد توجه قرارداد این است که رفتار مورد مجازات باید دقیقاً تعریف شده باشد فرد مورد باید دقیقاً بداند که چه رفتاری چه نوع تنبیهی به دنبال دارد به خصوص در جایی مانند مدرسه که عده تنبیه کنندگان و تنبیه شوندهگان زیادند تعیین دقیق رفتاری که ممکن است سبب تنبیه شود ضروری میباشد در این صورت تعارض و تناقض در مورد رفتار نامطلوب از بین می رود. پدر و مادری را در نظر بگیرید که یکی نسبت به رفتاری در کودک یا کودکان خود خود اغماض میکند و دیگری به شدت مانع بروز این رفتارها شود و به تنبیه متوسل میگردد به احتمال زیاد این تنبیه بی اثر است. اگر چنانچه تنبیه موثر واقع نشد، باید فوریت، شدت، ثبات و امکان وجود رفتار مطلوب دیگری را برای جایگزینی بررسی کرد راه دیگر نادیده گرفتن رفتار نامطلوب و توجه و تقویت رفتار مطلوب است. [۳]

تقویت

تقویت از جمله عواملی است که معلمان برای اینکه دانش آموزان آنها رفتار مطلوب و پسندیده انجام دهند، از آن استفاده می کنند. تقویت از لحاظ اثر به دو نوع مثبت و منفی تقسیم بندی می شود. [۸]

۱. تقویت مثبت

روش تقویت مثبت تقریباً همان روش متداولی است که معلمان به دانش آموزان خود پاداش می دهند یا در اصطلاح آنان را تشویق می کنند، اما بین پاداش و تقویت مثبت اندک تفاوتی وجود دارد. از این رو روانشناسان به جای پاداش از اصطلاح دقیق تر تقویت مثبت استفاده می کنند. در پاداش دادن به افراد، هدف به طور عمده قدردانی و سپاسگزاری از رفتارهای گذشته فرد است و احتمالاً باعث تکرار رفتار در آینده خواهد شد اما در تقویت مثبت هدف الزاماً تکرار شدن رفتار است. تقویت مثبت بهترین و مؤثرترین روش افزایش و تکرار انجام رفتار است.

۱-۱. تقویت کننده های نخستین

تقویت کننده های مثبت نخستین ذاتاً اثر تقویتی دارند و نیازهای فیزیولوژی بدن را برطرف می کنند. مانند آب، غذا، هوا

و ...

۱-۲. تقویت کننده های شرطی

تقویت کننده های شرطی در اصل خاصیت تقویت کنندگی نداشته اند، اما طبق قانون شرطی سازی بر اثر مجاورت با تقویت کننده های نخستین خاصیت تقویت کنندگی پیدا کرده اند. مانند جایزه، نمره، پول، مدرک تحصیلی

۱-۳. تقویت کننده های فعالیتی

استفاده از تقویت کننده های فعالیتی به این صورت است که از فعالیت های مورد علاقه دانش آموزان می توان به عنوان تقویت کننده ای برای انجام فعالیت های استفاده کرد که دانش آموزان رغبتی به انجام آنها ندارند. مطابق این اصل به دانش آموزی که زیاد به تماشای برنامه های تلویزیون می نشیند و تکالیفش را انجام نمی دهد، گفته می شود که در صورت انجام دادن تکالیف مدرسه اش می تواند به تماشای برنامه های تلویزیون بپردازد.

۲. تقویت منفی

علاوه بر تقویت مثبت، تقویت منفی نیز موجب افزایش انجام رفتار می شود. اما تفاوت این دو روش در آن است که در تقویت مثبت ارائه تقویت کننده، احتمال انجام و تکرار رفتار را افزایش می دهد، درحالیکه در تقویت منفی، حذف تقویت کننده منفی یا جلوگیری از وقوع آن، باعث انجام رفتار می شود.

مشکل بزرگ استفاده از تقویت منفی این است که ابتدا باید محرک را در مورد شخص اعمال کنیم تا بعد بتوانیم با حذف آن محرک، رفتار دلخواه خود را در دانش آموز نیرومندتر کنیم. مثلاً برای اینکه کودک از ترس تنبیه شدن درس بخواند باید قبلاً تنبیه شده باشد یا شاهد تنبیه شدن دیگران بوده باشد. بنابراین تقویت منفی یکی از شیوه های نامطلوب تغییر رفتار است و ارائه تقویت کننده مثبت تأثیر بیشتری در شکل گیری رفتار مطلوب در دانش آموزان دارد.

تشویق درونی به جای تشویق بیرونی

اگر کودکان آنچه را انجام می دهند، دوست داشته باشند، بهتر انجامش خواهند داد. آنچه در انگیزه مهم است میزان آن نیست بلکه منشأ و ماهیت آن است. تشویق و انگیزه بیرونی هر قدر هم زیاد باشد، می تواند در عمل مانعی برای موفقیت باشد. هدف باید پرورش کودکانی باشد که مشتاق کسب موفقیت در مدرسه باشند و همچنین کنجکاوی و علاقه مند به دانستن به گونه ای که یادگیری به هیجانشان آورد و خارج از مدرسه نیز در پی فرصتی برای دنبال کردن علایق خود باشند.

اینکه به دانش آموزان گفته شود دقیقاً چه کاری را باید انجام دهند یا با استفاده از مشوق های بیرونی آنها وادار به انجام آن کار شوند، اغلب به احساس عجز و اضطراب در آنها دامن زده می شود. پژوهش ها نشان داده اند که محیط کنترل کننده، علاقه

فرد به کار را کاهش می دهد. یعنی خاصیت انگیزه کشی کنترل می تواند چونان زهر، نگرش به فعالیتهای جدید را نیز مسموم کند. معیارهای کنترل کننده فرد را از کنکاش در مورد موضوعات با ارزش دور می سازد. ارزشیابی ها، اهداف و پاداش هایی که منشأ بیرونی دارند به سبکی از آموزش و یادگیری منجر می شوند که درست نقطه مقابل یادگیری کیفی یعنی یادگیری ماندگار، عمیق و یکپارچه در مدارس است. [۹]

نتیجه گیری

انگیزش از جمله عواملی است که می تواند در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، نقشی مؤثر و قابل بررسی داشته باشد. بر طبق نظریه دسی و ریان رفتارهای بر مبنای انگیزش درونی صرف نظر از نتایج فعالیت، با کسب لذت و ارضای خاطر از آن انجام می شود؛ اما در مقابل رفتارهایی با انگیزش درونی، رفتارهایی با انگیزش بیرونی نیز وجود دارد که برای کسب یک هدف ابزاری مانند کسب پاداش یا اجتناب از تنبیه، انجام داده می شود. بدین معنا که فعالیت نه به خاطر خود آن، بلکه برای رسیدن به یک نتیجه انجام داده می شود

از لحاظ پرورشی، انگیزش، هم هدف است و هم وسیله. اگر دانش آموزان نسبت به درس و مدرسه، بی علاقه و به عبارتی دارای انگیزش پایینی باشند، به توضیحات معلم توجه نخواهند کرد و در نهایت، پیشرفت چندانی نصیب آن ها نخواهد شد، اما اگر علاقه ای آن ها نسبت به مطلب درسی بالا باشد و دارای انگیزش بالایی باشند، هم توضیحات معلم را به دقت گوش داده و تکالیف درسی خود را با جدیت انجام خواهند داد و هم در صدد کسب اطلاعات بیشتری در زمینه ی مطلب درسی خواهد بود و در نتیجه پیشرفت زیادی نصیب آن ها خواهد شد. بهترین راه ایجاد علاقه در یادگیرندگان بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفی روشهای آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان به موفقیت بیشتر در یادگیری نائل می آیند و این کسب موفقیت علاقه و انگیزش آنها را نسبت به یادگیری مطالب تازه افزایش می دهد.

تشویق و تنبیه یکی از ابزارهای مهم تعلیم و تربیت است که تأثیر شگرفی بر روابط میان انسان ها، اصلاح رفتار و انگیزه آنها دارد. تشویق در اندازه ی مطلوب و حساب شده می تواند اثرات قابل توجه به بار آورد. تشویق مانند داروی شفابخش است که باید بصورت دقیق و به میزان کافی و با دقت از آن استفاده شود. و چه بسا کم و زیاد شدن آن و افراط و تفریط در آن و بموقع نبودن آن اثرات نامطلوبی به بار می آورد. تشویق موجب علاقمند نمودن دانش آموزان به درس می شود هر چند دانش آموزان با شوق و ذوق بیشتری درس را فراگیرد بیشتر به موضوع درس علاقمند خواهند شد و همین امر نقش بسیار مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دارد

منابع

۱. هیلگارد.ا. ؛ باور.گ. ؛ نظریه های یادگیری. برگردان محمدنقی براهنی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی ، ۱۳۷۱
۲. نوروزی وند ، حامد ؛ نوروزی وند ، طاهره ؛ بررسی یادگیری مشارکتی دانش آموزان ، مجله پژوهش های معاصر در علوم و تحقیقات ، ۳ (۲۵) ، ۱۴۰۰ ، ۱۰۱ - ۸۳
۳. سیف، علی اکبر ؛ (۱۳۸۷) ، روانشناسی پرورشی نوین؛ روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران

۴. برزکار، ابراهیم؛ انواع انگیزش و نظریه های انگیزش، ۱۳۹۴، <http://ebarzkar.blogfa.com/tag>
۵. آقایی، مریم؛ (۱۴۰۱)، عوامل موثر بر انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان،
<https://www.alimirsadeghi.com/-article/articleid/211>
۶. مسعودی راد، امیرحسین؛ بهنام، رسول؛ مسعودی راد، مائده؛ (۱۴۰۰)، بررسی نقش تشویق و تنبیه به عنوان دو مولفه تربیتی، مجله نخبگان علوم و مهندسی، جلد ۶، شماره ۴، ۶۴ - ۵۶
۷. کوهن، الفی؛ (۱۴۰۰)، نه تنبیه، نه تشویق (چگونه انگیزه های درونی را پرورش دهیم؟)، ترجمه اکرم کرمی، تهران: انتشارات صابرین
۸. زمانی، داوود؛ اهمیت تشویق و تنبیه در محیط آموزشی، ۱۳۹۱،
<http://zamani2012.blogfa.com/post/35>
۹. کریمی، عادل؛ آسیب شناسی تربیت پاداش گرا، ۱۳۹۱،
<https://adelehkarimi.blogspot.com/1391/08/25/post-69/>
۱۰. براهینی، محمدتقی؛ (۱۳۸۵)، زمینه روانشناسی، جلد ۱، تهران، انتشارات سمت
۱۱. غلامعلی تبار فیروزجائی، حامد؛ بررسی روش های تشویق و تنبیه در تربیت اجتماعی با تأکید بر تعلیم اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، ۱۳۹۵